



کلاف

ضمیمه نوجوان

شماره ۲۷ ■ ۲۰ شهریور ۱۳۹۹



زهرا قربانی



پژوهش:

محمدصادق

امانی

نگاهی به دغدغه‌های متفاوت دانش‌آ

شگفتانه



گذرنوجوانه هم با چند روز تاخیر به بازگشایی مدارس شیوه‌های غیرمنتظره افتاد. البته گذاشتن این روزهای آغاز سال تحصیلی است؛ آغازی که نه بویی از مهر برده و نه بویی از ماه مهر! این کلاف در فضای مجازی به بهانه تدریس در اپلیکیشن شادا!



نوموخواوم برم!

مصیبت صبح بلند شدن جزو امتحانات سخت الهی است. این را وحید ۱۵ ساله از ورامین می‌گوید. کسی که این ایام کرونایی را تا لنگ ظهر خوابیده و بعد هم تا کاناپه جلو تلویزیون خزیده است. قطعاً صبح روز ۱۵ شهریور باید بهانه این را بیاورد که به علت مشکوک بودن تست کرونا و فوت جانگداز خاندان عموجان اینا که هفته پیش باهم شمال بودند، به مراتب دوز کرونایش شدیدتر و خطرناک تر است و القصد معلم و مدرسه را باهم بیچانند!

البته از حق نگذریم مادر آقا وحید تمام این ایام کرونا را به شوق باز شدن مدارس می‌گذراند و احتمالاً با کمربند جنس خوب پدری هر روز سه وعده از وحید پذیرایی می‌کند!

از طرفی مادر هلنا که تازه به اولین روزهای زندگی مدرسه ای شدنش وارد شده و از صبح روز پانزدهم با شیون وزاری چسبیده به در منزل و باهمین لحن می‌گوید نوموخواوم برم و از کرونا می‌ترسم!



مهمونی کرونایی در مدرسه

مهدی صبح خیلی شیک و اتوکشیده و با ماسک ۱۰ بار استفاده نشده و الکل ۷۰ درصد وارد مدرسه شد و وای نگوییم که همان ابتدا با چه صحنه ای مواجه بود. تصور کنید پسرها که خیلی در قید و بند رعایت کردن فاصله نیستند هیچ، بعد از روزها دوری همدیگر را هم دیده اند. آن هم بچه های دبستانی که هیچ تصویری از غول کرونا ندارند.

دیده شده به علت تنوع در ماسک ها و اضافه شدن آپشن های زیبایی اقدام به تعویض ماسک مصرف شده هم کرده اند و آقا مهدی هم قصد دارد دیگر مدرسه نرود!

من گوشی نمی خواهم!

محمد علی اهل سیستان و بلوچستان بود. از همان دانش آموزانی که سرش برود درسش نمی رود و می خواهد از همین ۱۶ سالگی برای کنکور آنقدر بخواند که دندان پزشکی دانشگاه تهران قبول شود. گرچه که تمام سعیم را کردم که بفهمد حتماً نباید دندان پزشکی شود یا دانشگاه تهران بیاید تا به موفقیت برسد اما همه می‌گویند، همه فرصت های خوب در تهران است و بیشترین دستمزدها در پزشکی!

پدر محمد علی یک موتور دارد که به زور صبح به صبح او را سر ساختمان هابری نقاشی می‌رساند برای همین از خرید گوشی و کلاس مجازی خبری نیست و اپلیکیشن شاده غم عالم را روی سر پدر محمد علی هوار کرده و خودش می‌گوید رویش نمی شود از پدر تقاضای خرید گوشی کند.

محمد علی می‌گوید: باز خدا پدر صدا و سیما را بیا مرزد که حداقل با کلاس های شبکه آموزش می‌تواند خود را به بچه های کلاس برساند!

آموزش مجازی

از سرگذشت کتاب های ناتمام و حتی کتاب های نوسال گذشته گزارشی در دست نبود که رضوانه از این اتفاق من را با خبر کرد. البته بگذریم از دانش آموزان با وجدانی که واقعا سر کلاس نشسته اند و اگر هم درس را یاد نگرفته اند باز رجوع به قسمت شخصی معلم مربوطه در اپلیکیشن های مجازی، وقت و بی وقت سوالات خود را پرسیده اند؛ اما از بین همین دانش آموزان عده زیادی هم فقط وقت حضور غیاب در کلاس بوده اند و اغلب مشغول دیدن فیلم و بازی و تفرج در فضای مجازی بوده اند. از تقلب های مجازی و ایجاد گروه های دیگر با اسم "جواب چی می‌شه؟" و "سال دومیا" و... که بگذریم از نظر رضوانه می‌رسیم به معلم های آموزشگاه های کنکور که حسابی در این ایام کرونا با گرفتن پول های نجومی کلاس و بچه ها و مدرسه را دور زده اند و سر جمع در کل سال تحصیلی سه بار هم کلاس را برقرار نکرده اند! ایهم از مافیا های کنکور!

$$\frac{3R_m T}{M_R 10^{-3}} \rho = \frac{E}{C} = \frac{hf}{C} = \frac{h}{\lambda} V = V_1(1$$